

## شناخت، رفتار، یادگیری

# بررسی تأثیر هوش معنوی بر سبک‌های مقابله با استرس: مقایسه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین در قم

سید محمد حسینی‌نژاد<sup>۱</sup>، فاطمه دادوند<sup>۲</sup>، الله کرم کریمی‌پور<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری دین‌پژوهی، دانشکده ادیان و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.
۲. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.
۳. دانشیار دین‌پژوهی، دانشکده ادیان و عرفان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

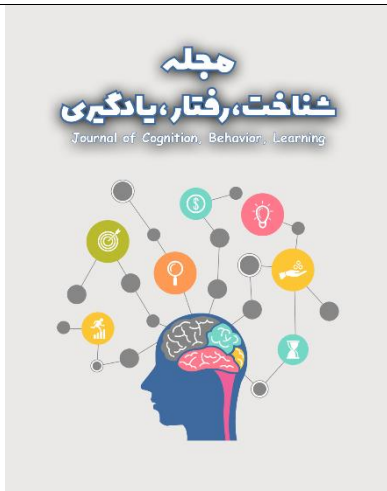
\* ایمیل نویسنده مسئول: fdadvand945@gmail.com

تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰



شیوه‌نامه: سید محمد، دادوند، فاطمه، و کرمی‌پور، الله کرم. (۱۴۰۵). بررسی تأثیر هوش معنوی بر سبک‌های مقابله با استرس: مقایسه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین در قم. *شناخت، رفتار، یادگیری*, ۳(۳), ۱۲-۱۰.

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده هوش معنوی در سبک‌های مقابله با استرس و مقایسه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین در شهر قم بود. این پژوهش با طرح علی-مقایسه‌ای و رویکرد کمی انجام شد. جامعه آماری شامل بزرگسالان ۱۸ تا ۶۰ سال ساکن شهر قم بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس در دو گروه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین طبقه‌بندی شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه هوش معنوی با چهار مؤلفه تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و گسترش حالت هوشیاری و پرسشنامه سبک‌های مقابله با استرس با ابعاد مسئله‌محور و هیجان‌محور بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل واریانس چندمتغیری و رگرسیون چندگانه تحلیل شدند. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که بین دو گروه در مؤلفه‌های هوش معنوی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که معنویت‌گرایان نوین در تفکر انتقادی وجودی و تولید معنای شخصی نمرات بالاتری کسب کردند. همچنین تفاوت معناداری در سبک‌های مقابله‌ای مشاهده شد؛ معنویت‌گرایان نوین بیشتر از سبک مقابله مسئله‌محور و دینداران سنتی بیشتر از سبک هیجان‌محور استفاده کردند. تحلیل رگرسیون نشان داد که مؤلفه‌های هوش معنوی، به‌ویژه تفکر انتقادی وجودی و تولید معنای شخصی، پیش‌بینی‌کننده معنادار مقابله مسئله‌محور بودند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ابعاد شناختی و معناجویانه هوش معنوی نقش مهمی در شکل‌دهی سبک‌های مقابله با استرس دارند و نوع گرایش معنوی می‌تواند جهت‌گیری افراد به سوی مقابله فعال یا تنظیم هیجانی را تحت تأثیر قرار دهد.

کلیدواژه‌گان: هوش معنوی، سبک‌های مقابله با استرس، دینداری سنتی، معنویت نوین، قم

# Cognition, Behavior, Learning

## The Effect of Spiritual Intelligence on Stress Coping Styles: A Comparison between Traditional Believers and Modern Spiritualists in Qom

Seyed Mohammad Hosseini Nezhad<sup>1</sup>, Fatemeh Dadvand<sup>2\*</sup>, Allahkaram Karamipour<sup>3</sup>

1. PhD Student, Department of Religious Studies, Faculty of Religions and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran
2. PhD Student, Department of Educational Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran.
3. Associate Professor, Department of Religious Studies, Faculty of Religions and Mysticism, University of Religions and Denominations, Qom, Iran

\*Corresponding Author's Email: fdadvand945@gmail.com

Submit Date: 2025-09-01

Revise Date: 2026-01-17

Accept Date: 2026-02-10

Publish Date: 2026-07-23

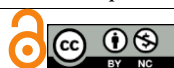
### Abstract

The present study aimed to examine the predictive role of spiritual intelligence in stress coping styles and to compare traditional believers and modern spiritualists in Qom. This quantitative study employed a causal-comparative design. The statistical population consisted of adults aged 18 to 60 residing in Qom, who were classified into two groups—traditional believers and modern spiritualists—through purposive and convenience sampling. Instruments included a spiritual intelligence questionnaire measuring existential critical thinking, personal meaning production, transcendental awareness, and conscious state expansion, as well as a coping styles questionnaire assessing problem-focused and emotion-focused coping. Data were analyzed using multivariate analysis of variance and multiple regression analysis. Multivariate analysis revealed significant group differences in spiritual intelligence components, with modern spiritualists scoring higher in existential critical thinking and personal meaning production. Significant differences were also found in coping styles, as modern spiritualists reported greater use of problem-focused coping, whereas traditional believers relied more on emotion-focused coping. Regression analysis indicated that spiritual intelligence dimensions, particularly existential critical thinking and personal meaning production, significantly predicted problem-focused coping. The findings suggest that cognitive and meaning-centered dimensions of spiritual intelligence play a substantial role in shaping coping styles, and that different spiritual orientations may influence whether individuals adopt active problem-solving strategies or emotion-regulation approaches in response to stress.

**Keywords:** *Spiritual intelligence, Stress coping styles, Traditional religiosity, Modern spirituality, Qom*



**How to cite:** Hosseini Nezhad, S.M., Dadvand, F., Karamipour, A.K. (2026). The Effect of Spiritual Intelligence on Stress Coping Styles: A Comparison between Traditional Believers and Modern Spiritualists in Qom. *Cognition, Behavior, Learning*, 3(3), 1-12.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

استرس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های روان‌شناختی در زندگی معاصر، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری سلامت روان، کیفیت زندگی و کارکرد اجتماعی افراد ایفا می‌کند. شیوه‌ای که افراد در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا اتخاذ می‌کنند، نه تنها پیامدهای کوتاه‌مدت هیجانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه مسیر سازگاری یا ناسازگاری بلندمدت آنان را نیز مشخص می‌سازد. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که سبک‌های مقابله با استرس، اعم از مسئله‌محور و هیجان‌محور، با شاخص‌های سلامت روان، بهزیستی و تاب‌آوری ارتباط معناداری دارند (Lee et al., 2024). در سال‌های اخیر، توجه به نقش عوامل معنوی و دینی در تبیین تفاوت‌های فردی در راهبردهای مقابله‌ای افزایش یافته و مفاهیمی چون هوش معنوی و مقابله مذهبی به‌عنوان سازه‌های کلیدی در این حوزه مطرح شده‌اند.

هوش معنوی به‌عنوان ظرفیتی برای درک معنا، هدف و ارتباط با ابعاد متعالی زندگی تعریف می‌شود که می‌تواند چارچوبی شناختی-هیجانی برای تفسیر رویدادهای استرس‌زا فراهم آورد. پژوهش‌های تجربی نشان داده‌اند که هوش معنوی با استفاده سازگارانه‌تر از راهبردهای مقابله‌ای مرتبط است و نقش واسطه‌ای مهمی در رابطه میان فشارهای زندگی و سلامت روان ایفا می‌کند (Arnout, 2020). همچنین، تحلیل‌های ساختاری نشان داده‌اند که مؤلفه‌های هوش معنوی از طریق تقویت مکانیسم‌های مقابله‌ای، می‌توانند پیامدهای منفی استرس را کاهش دهند (Zayed & Gaballah, 2018). در همین راستا، یافته‌های پژوهشی بیانگر آن است که افرادی با سطوح بالاتر هوش معنوی، گرایش بیشتری به راهبردهای مقابله مسئله‌محور و ارزیابی مجدد مثبت دارند (Wisesa & Irenne, 2020).

از سوی دیگر، مقابله مذهبی به‌عنوان استفاده از باورها، اعمال و منابع دینی در مواجهه با فشارهای زندگی تعریف می‌شود. مطالعات نشان داده‌اند که مقابله مذهبی مثبت با کاهش رفتارهای ناسازگارانه و افزایش استدلال اخلاقی اجتماعی همراه است (Nwafor et al., 2024). در حوزه بالینی نیز، مقابله معنوی در بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن با بهبود خودمراقبتی و استفاده مؤثرتر از راهبردهای مقابله‌ای مرتبط بوده است (Mirzazadeh-Qashqaei, 2023). همچنین، در زمینه بیماری‌های لاعلاج، سازوکارهای مقابله‌ای معنوی نقش مهمی در سازگاری روان‌شناختی بیماران ایفا می‌کنند (Lee et al., 2024).

با این حال، ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که رابطه میان معنویت و سلامت روان همواره خطی و ساده نیست. برای مثال، کشمکش‌های مذهبی-معنوی می‌توانند با افزایش علائم اضطرابی همراه باشند (Beeman et al., 2024). افزون بر این، پدیده «دور زدن معنوی» می‌تواند رابطه میان مقابله مذهبی و آشفتگی روان‌شناختی را تعدیل کند (Ahmad et al., 2023). این یافته‌ها ضرورت تفکیک ابعاد گوناگون معنویت و توجه به کیفیت و نوع گرایش معنوی را برجسته می‌سازد.

در بافت‌های اسلامی نیز، راهبردهای مقابله مذهبی همچون صبر، توکل و بخشش به‌عنوان منابع مهم سازگاری روانی شناخته شده‌اند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که صبر به‌عنوان سازوکاری دینی می‌تواند فرآیند یادگیری و مواجهه با فشارهای تحصیلی را تسهیل کند (Ramdani et al., 2024). همچنین، بخشش در چارچوب اسلامی به‌عنوان مسیری برای مقابله مثبت با تنش‌های روانی معرفی شده است (Rizwan Khan, 2024). در میان مادران مسلمان دارای فرزند مبتلا به اختلال طیف اوتیسم، استفاده از راهبردهای مقابله مذهبی با سازگاری بهتر هیجانی همراه بوده است (Dulai et al., 2025). در حوزه اعتیاد نیز، تعامل میان مقابله مذهبی و آمادگی برای تغییر، نقش مهمی در فرآیند درمان ایفا می‌کند (Kumar et al., 2025).

مطالعات انجام‌شده در زمینه سوگ و فقدان نیز نشان می‌دهد که سبک‌های مقابله معنوی می‌توانند تجربه اندوه را معنادارتر ساخته و فرآیند سازگاری را تسهیل کنند (Sajadipour et al., 2024). افزون بر این، مرورهای نظام‌مند حاکی از آن است که مقابله مذهبی می‌تواند رشد پس از سانحه را در زنان تجربه‌کننده فقدان تقویت کند (Suffah & Kilis, 2024). مداخلات پرستاری مبتنی بر ارتقای مقابله معنوی نیز توانسته‌اند سطح سازگاری خانواده‌های بیماران روانی را افزایش دهند (Casaleiro et al., 2024). همچنین، تمرین‌های معنوی منظم با افزایش تاب‌آوری روانی و کاهش علائم اضطراب و افسردگی مرتبط بوده‌اند (VanderWeerd, 2024).

در سطح نوجوانان، معنویت از طریق تقویت مقابله شجاعانه و حمایت اجتماعی، تاب‌آوری را افزایش می‌دهد (Parviniannasab et al., 2022). در پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده شده است که هوش معنوی می‌تواند سبک‌های مقابله با استرس را پیش‌بینی کند (Piadeh, 2023). افزون بر این، تحلیل‌های فرهنگی نشان داده‌اند که در بافت‌های دینی سنتی، معنویت اغلب در چارچوب مناسک و هنجارهای نهادینه‌شده تعریف می‌شود، در حالی که در جریان‌های معنویت‌گرای نوین، تجربه فردی و معناجویی شخصی برجسته‌تر است (Beeman et al., 2024). این تمایز می‌تواند به تفاوت در نوع راهبردهای مقابله‌ای منجر شود.

با توجه به پیچیدگی رابطه میان معنویت، دینداری و مقابله با استرس، بررسی مقایسه‌ای میان دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین از اهمیت نظری و کاربردی برخوردار است. قم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز دینی ایران، بستر مناسبی برای مطالعه این تمایز فراهم می‌آورد. در چنین بافتی، هم‌اشکال سنتی دینداری نهادینه حضور پررنگ دارند و هم‌گرایش‌های معنوی فردمحور در حال گسترش‌اند. این هم‌زیستی، امکان بررسی تفاوت‌های احتمالی در سطح هوش معنوی و سبک‌های مقابله‌ای را فراهم می‌سازد.

با وجود مطالعات متعدد درباره نقش مقابله مذهبی در جمعیت‌های بالینی و آموزشی، پژوهش‌اندکی به مقایسه مستقیم گروه‌های با گرایش‌های معنوی متفاوت در یک بافت فرهنگی مشترک پرداخته است. از سوی دیگر، یافته‌های متناقض درباره پیامدهای معنویت، لزوم تحلیل دقیق‌تر ابعاد شناختی و کارکردی آن را برجسته می‌کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر هوش معنوی بر سبک‌های مقابله با استرس و مقایسه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین در شهر قم انجام شد.

### روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کمی، کاربردی و با طرح علی-مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) انجام شد. هدف اصلی مطالعه، مقایسه نقش هوش معنوی در پیش‌بینی سبک‌های مقابله با استرس در دو گروه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین ساکن شهر قم بود. جامعه آماری شامل کلیه بزرگسالان ۱۸ تا ۶۰ ساله ساکن شهر قم در سال اجرای پژوهش بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند و در دسترس انجام شد؛ به این صورت که ابتدا با استفاده از یک پرسش غربالگری کوتاه درباره نوع گرایش دینی-معنوی، افراد در دو گروه دینداران سنتی (دارای التزام منظم به مناسک دینی رسمی، مشارکت در نهادهای مذهبی سنتی و باورهای منطبق با چارچوب‌های فقهی رایج) و معنویت‌گرایان نوین (دارای گرایش به معنویت فردی، تجربه‌محور، غیرنهادی و تأکید بر رشد درونی مستقل از ساختارهای رسمی دینی) طبقه‌بندی شدند. سپس از هر گروه تعداد مساوی شرکت‌کننده انتخاب گردید تا امکان مقایسه آماری فراهم شود. معیارهای ورود شامل رضایت آگاهانه برای مشارکت، حداقل تحصیلات دیپلم جهت درک صحیح پرسشنامه‌ها و نداشتن تشخیص اختلال شدید روان‌پزشکی در شش ماه گذشته بود. معیارهای خروج شامل ناقص بودن پرسشنامه‌ها یا انصراف از ادامه همکاری بود. پیش از اجرای پژوهش، اهداف مطالعه برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و اصل محرمانگی اطلاعات و اختیار خروج در هر مرحله مورد تأکید قرار گرفت.

برای سنجش هوش معنوی از پرسشنامه خودگزارشی هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) استفاده شد. این ابزار با هدف سنجش ظرفیت‌های شناختی و فراشناختی مرتبط با معنویت طراحی شده و شامل ۲۴ گویه است که در چهار خرده‌مقیاس تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و گسترش حالت هوشیاری سنجیده می‌شود. پاسخ‌ها بر اساس طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً نادرست تا کاملاً درست نمره‌گذاری می‌گردد و دامنه نمرات کلی بین ۲۴ تا ۱۲۰ متغیر است؛ نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر هوش معنوی است. مطالعات متعدد داخلی و خارجی روایی سازه این پرسشنامه را از طریق تحلیل عاملی تأییدی و همبستگی با سازه‌های مرتبط تأیید کرده‌اند و ضرایب پایایی به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس و خرده‌مقیاس‌ها در دامنه مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز جهت اطمینان از همسانی درونی، ضریب آلفا برای کل مقیاس محاسبه شد.

به منظور سنجش سبک‌های مقابله با استرس از پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن (۱۹۸۵) استفاده شد. این ابزار شامل ۶۶ گویه است که راهبردهای مقابله‌ای افراد را در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه دو سبک کلی مقابله مسئله‌محور

و هیجان محور را در قالب هشت خرده‌مقیاس شامل مقابله رویارویانه، فاصله‌گیری، خودکنترلی، جستجوی حمایت اجتماعی، پذیرش مسئولیت، گریز-اجتناب، حل مسئله برنامه‌ریزی شده و ارزیابی مجدد مثبت اندازه‌گیری می‌کند. پاسخ‌ها بر اساس طیف چهاردرجه‌ای لیکرت از هرگز تا بسیار زیاد نمره‌گذاری می‌شود و نمرات بالاتر در هر خرده‌مقیاس نشان‌دهنده استفاده بیشتر از آن راهبرد است. روایی این ابزار در مطالعات متعدد از طریق تحلیل عاملی و همبستگی با شاخص‌های سلامت روان تأیید شده و ضرایب پایایی آن در پژوهش‌های داخلی و خارجی در سطح قابل قبول گزارش گردیده است. در پژوهش حاضر نیز پایایی ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ بررسی شد.

برای شناسایی و کنترل جهت‌گیری دینی در شرکت‌کنندگان، از مقیاس جهت‌گیری دینی آلپورت و راس (۱۹۶۷) استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۰ گویه است که دو بعد جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی را اندازه‌گیری می‌کند. پاسخ‌ها در طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم نمره‌گذاری می‌شود. نمرات بالاتر در بعد درونی نشان‌دهنده دینداری درونی‌شده و نمرات بالاتر در بعد بیرونی نشان‌دهنده کارکرد ابزاری و اجتماعی دین است. این ابزار در مطالعات متعدد داخلی و بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته و روایی محتوایی و سازه آن تأیید شده است و ضرایب پایایی آن نیز در سطح مطلوب گزارش شده است. در این پژوهش، این مقیاس علاوه بر کمک به طبقه‌بندی دقیق‌تر دینداران سنتی، به عنوان متغیر کنترلی در تحلیل‌ها مورد استفاده قرار گرفت.

پس از جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شد و پیش‌پردازش شامل بررسی داده‌های پرت، آزمون نرمال بودن توزیع متغیرها با استفاده از شاخص‌های چولگی و کشیدگی و آزمون کولموگروف-اسمیرنوف انجام گرفت. برای توصیف داده‌ها از شاخص‌های آماری میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر استفاده شد. به منظور بررسی تفاوت بین دو گروه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین در مؤلفه‌های هوش معنوی و سبک‌های مقابله با استرس از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد و در صورت معنادار بودن، تحلیل‌های تعقیبی انجام گرفت. همچنین برای بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی مؤلفه‌های هوش معنوی در سبک‌های مقابله‌ای از تحلیل رگرسیون چندگانه همزمان استفاده شد. سطح معناداری آزمون‌ها ۰,۰۵ در نظر گرفته شد و تمامی پیش‌فرض‌های آماری پیش از اجرای تحلیل‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

### یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در قالب آمار توصیفی و استنباطی ارائه می‌شود. ابتدا شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش شامل مؤلفه‌های هوش معنوی و سبک‌های مقابله با استرس در دو گروه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین گزارش می‌شود و سپس نتایج آزمون‌های مقایسه‌ای و تحلیلی بیان خواهد شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در دو گروه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین

متغیر	گروه	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
هوش معنوی (کل)	دینداران سنتی	۹۴.۸۲	۱۱.۳۵	۶۸	۱۱۸
	معنویت‌گرایان نوین	۱۰۱.۴۷	۱۰.۹۲	۷۴	۱۲۰
تفکر انتقادی وجودی	دینداران سنتی	۲۲.۱۱	۳.۹۸	۱۴	۳۰
	معنویت‌گرایان نوین	۲۵.۳۶	۳.۶۷	۱۶	۳۰
تولید معنای شخصی	دینداران سنتی	۲۴.۹۵	۳.۷۴	۱۷	۳۰
	معنویت‌گرایان نوین	۲۶.۸۸	۳.۲۱	۱۸	۳۰
آگاهی متعالی	دینداران سنتی	۲۳.۴۰	۳.۶۲	۱۵	۳۰
	معنویت‌گرایان نوین	۲۴.۷۰	۳.۵۵	۱۶	۳۰
گسترش حالت هوشیاری	دینداران سنتی	۲۴.۳۶	۳.۸۹	۱۵	۳۰
	معنویت‌گرایان نوین	۲۴.۵۳	۳.۷۷	۱۵	۳۰
مقابله مسئله محور	دینداران سنتی	۷۲.۱۴	۸.۹۲	۵۱	۹۰
	معنویت‌گرایان نوین	۷۸.۶۳	۹.۱۱	۵۵	۹۴
مقابله هیجان محور	دینداران سنتی	۶۹.۷۵	۹.۴۷	۴۸	۹۲
	معنویت‌گرایان نوین	۶۳.۲۸	۸.۸۸	۴۵	۸۵

بر اساس نتایج جدول ۱، میانگین نمره کل هوش معنوی در گروه معنویت‌گرایان نوین بالاتر از دینداران سنتی است. این تفاوت به‌ویژه در مؤلفه تفکر انتقادی وجودی و تولید معنای شخصی برجسته‌تر مشاهده می‌شود. در مؤلفه‌های آگاهی متعالی و گسترش حالت هوشیاری تفاوت میان دو گروه کمتر است. در زمینه سبک‌های مقابله با استرس نیز میانگین مقابله مسئله‌محور در معنویت‌گرایان نوین بالاتر و میانگین مقابله هیجان‌محور در دینداران سنتی بیشتر است. این الگوی توصیفی نشان می‌دهد که گرایش معنوی ممکن است با نوع راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده افراد ارتباط داشته باشد که در ادامه با تحلیل‌های استنباطی بررسی شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری برای مقایسه دو گروه در مؤلفه‌های هوش معنوی

شاخص	مقدار	F	سطح معناداری	اندازه اثر ( $\eta^2$ )
لامبدای ویلکز	۰.۷۱	۸.۹۴	۰.۰۰۱	۰.۲۹
متغیر وابسته		F	سطح معناداری	اندازه اثر
تفکر انتقادی وجودی		۱۸.۶۲	۰.۰۰۱	۰.۱۷
تولید معنای شخصی		۱۱.۴۵	۰.۰۰۱	۰.۱۱
آگاهی متعالی		۴.۳۲	۰.۰۳۹	۰.۰۴
گسترش حالت هوشیاری		۰.۰۸	۰.۷۷۱	۰.۰۰

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که بین دو گروه در مجموعه مؤلفه‌های هوش معنوی تفاوت معناداری وجود دارد. مقدار لامبدای ویلکز و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۱ بیانگر تفاوت کلی معنادار میان گروه‌ها است. بررسی آزمون‌های تک‌متغیری نشان می‌دهد که تفاوت در مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی و تولید معنای شخصی در سطح ۰.۰۰۱ معنادار است و اندازه اثر آن‌ها در دامنه متوسط قرار دارد. در مؤلفه آگاهی متعالی نیز تفاوت معنادار اما با اندازه اثر کوچک مشاهده شد. در مؤلفه گسترش حالت هوشیاری تفاوت معناداری بین دو گروه وجود نداشت. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت اصلی میان دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین در ابعاد شناختی و معنابخش هوش معنوی متمرکز است.

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری برای مقایسه دو گروه در سبک‌های مقابله با استرس

شاخص	مقدار	F	سطح معناداری	اندازه اثر ( $\eta^2$ )
لامبدای ویلکز	۰.۷۸	۶.۵۱	۰.۰۰۲	۰.۲۲
متغیر وابسته		F	سطح معناداری	اندازه اثر
مقابله مسئله‌محور		۱۴.۸۷	۰.۰۰۱	۰.۱۴
مقابله هیجان‌محور		۱۲.۳۴	۰.۰۰۱	۰.۱۲

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که بین دو گروه در سبک‌های مقابله با استرس تفاوت معناداری وجود دارد. بر اساس آزمون‌های تک‌متغیری، معنویت‌گرایان نوین به طور معناداری از راهبردهای مسئله‌محور بیشتر استفاده می‌کنند، در حالی که دینداران سنتی نمرات بالاتری در سبک‌های هیجان‌محور دارند. اندازه اثر هر دو متغیر در دامنه متوسط قرار دارد که نشان‌دهنده اهمیت عملی این تفاوت‌ها است. این نتایج بیانگر آن است که نوع گرایش معنوی با شیوه‌های مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا ارتباط معنادار دارد.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی سبک‌های مقابله‌ای بر اساس مؤلفه‌های هوش معنوی

متغیر پیش‌بین	$\beta$ استاندارد	t	سطح معناداری
تفکر انتقادی وجودی	۰.۳۱	۴.۵۲	۰.۰۰۱
تولید معنای شخصی	۰.۲۸	۳.۹۷	۰.۰۰۱
آگاهی متعالی	۰.۱۲	۱.۸۸	۰.۰۶۲

گسترش حالت هوشیاری	۰.۰۵	۰.۷۴	۰.۴۵۹
شاخص مدل		مقدار	
R		۰.۵۶	
R <sup>2</sup>		۰.۳۱	
F		۱۵.۸۴	
سطح معناداری		۰.۰۰۱	

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که مدل پیش‌بینی‌کننده سبک مقابله مسئله‌محور بر اساس مؤلفه‌های هوش معنوی معنادار است و حدود ۳۱ درصد از واریانس این سبک مقابله‌ای توسط مؤلفه‌های هوش معنوی تبیین می‌شود. در میان مؤلفه‌ها، تفکر انتقادی وجودی و تولید معنای شخصی دارای ضریب بتای معنادار و نقش پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری هستند، در حالی که آگاهی متعالی در مرز معناداری قرار دارد و گسترش حالت هوشیاری نقش معناداری ایفا نمی‌کند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ابعاد شناختی و معنابخش هوش معنوی سهم بیشتری در شکل‌گیری سبک‌های مقابله‌ای فعال و مسئله‌محور دارند و می‌توانند به عنوان متغیرهای کلیدی در تبیین تفاوت‌های فردی در مواجهه با استرس مطرح شوند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تأثیر هوش معنوی بر سبک‌های مقابله با استرس و مقایسه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین در شهر قم بود. یافته‌های به‌دست‌آمده نشان داد که میان دو گروه در سطح کلی هوش معنوی تفاوت معناداری وجود دارد و معنویت‌گرایان نوین در برخی مؤلفه‌ها، به‌ویژه تفکر انتقادی وجودی و تولید معنای شخصی، نمرات بالاتری کسب کردند. همچنین، نتایج تحلیل‌های استنباطی نشان داد که معنویت‌گرایان نوین بیشتر از راهبردهای مقابله مسئله‌محور استفاده می‌کنند، در حالی که دینداران سنتی گرایش بیشتری به سبک‌های هیجان‌محور دارند. افزون بر این، مؤلفه‌های هوش معنوی، به‌ویژه ابعاد شناختی آن، توانستند سهم معناداری از واریانس سبک مقابله مسئله‌محور را پیش‌بینی کنند.

تفاوت مشاهده‌شده در مؤلفه‌های شناختی هوش معنوی با نتایج پژوهش‌هایی همسو است که نشان داده‌اند ابعاد معنابخشی و بازاندیشی وجودی در هوش معنوی، نقش مهمی در سازمان‌دهی پاسخ‌های مقابله‌ای دارند (Wisesa & Irenne, 2020). پژوهش آرنوت نیز نشان داد که هوش معنوی در قالب یک مدل ساختاری می‌تواند از طریق فعال‌سازی سازوکارهای مقابله‌ای، آثار استرس را بر سلامت روان تعدیل کند (Arnout, 2020). از این منظر، نمرات بالاتر معنویت‌گرایان نوین در تفکر انتقادی وجودی و تولید معنای شخصی می‌تواند نشان‌دهنده گرایش آنان به بازتفسیر فعالانه موقعیت‌های تنش‌زا باشد؛ امری که با استفاده بیشتر از راهبردهای مسئله‌محور همخوانی دارد.

نتیجه مربوط به نقش پیش‌بینی‌کننده هوش معنوی در سبک مقابله مسئله‌محور نیز با یافته‌های پیشین سازگار است. در مطالعه‌ای که به بررسی نقش میانجی هوش معنوی در ارتباط میان راهبردهای مقابله‌ای و بهزیستی پرداخت، مشخص شد که هوش معنوی از طریق ارتقای ارزیابی مجدد مثبت و حل مسئله، پیامدهای روان‌شناختی مطلوب‌تری ایجاد می‌کند (Zayed & Gaballah, 2018). همچنین در پژوهش داخلی انجام‌شده بر مادران دارای فرزند کم‌توان ذهنی، هوش معنوی توانست سبک‌های مقابله با استرس را به‌طور معناداری پیش‌بینی کند (Piadeh Amarghan et al., 2023). یافته‌های پژوهش حاضر این نتایج را در یک بافت فرهنگی متفاوت و با مقایسه دو نوع گرایش معنوی تأیید می‌کند.

در تبیین گرایش بیشتر دینداران سنتی به سبک‌های هیجان‌محور می‌توان به ساختار هنجاری و مناسکی دینداری سنتی اشاره کرد که گاه بر پذیرش، تسلیم و توکل تأکید بیشتری دارد. پژوهش‌هایی که به بررسی مقابله مذهبی در بافت‌های اسلامی پرداخته‌اند نشان داده‌اند که سازوکارهایی چون صبر و توکل می‌توانند به‌عنوان راهبردهای تنظیم‌هیجانی عمل کنند (Ramdani et al., 2024). همچنین مفهوم بخشش در چارچوب اسلامی به‌عنوان مسیری برای مقابله مثبت با تنش معرفی شده است (Rizwan Khan, 2024). بنابراین، استفاده بیشتر

از سبک‌های هیجان‌محور در دینداران سنتی لزوماً به معنای ناسازگاری نیست، بلکه می‌تواند بازتابی از نوع خاصی از مقابله مبتنی بر تنظیم درونی هیجان‌ها باشد.

در عین حال، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که معنویت‌گرایان نوین بیشتر از راهبردهای مسئله‌محور استفاده می‌کنند. این نتیجه با پژوهش‌هایی همسو است که نقش فعالانه معنویت در فرآیند سازگاری را برجسته کرده‌اند. برای مثال، در بیماران مبتلا به بیماری‌های مزمن، معنویت با افزایش خودمراقبتی و راهبردهای مقابله فعال همراه بوده است (Mirzazadeh-Qashqaei, 2023). همچنین در بیماران با بیماری‌های لاعلاج، سازوکارهای مقابله‌ای معنوی توانسته‌اند به تصمیم‌گیری آگاهانه‌تر و حل مسئله کمک کنند (Lee et al., 2024). این یافته‌ها نشان می‌دهد که معنویت، در صورتی که با بازاندیشی و معناجویی فعال همراه باشد، می‌تواند به تقویت مقابله مسئله‌محور منجر شود. با این حال، ادبیات پژوهشی هشدار می‌دهد که همه اشکال معنویت پیامدهای مثبت یکسانی ندارند. کشمکش‌های مذهبی-معنوی می‌توانند با افزایش اضطراب همراه باشند (Beeman et al., 2024) و پدیده دور زدن معنوی می‌تواند رابطه میان مقابله مذهبی و آشفتگی روانی را تعدیل کند (Ahmad et al., 2023). این نکته نشان می‌دهد که کیفیت تجربه معنوی، نه صرفاً شدت آن، در تعیین نوع و اثربخشی سبک‌های مقابله‌ای اهمیت دارد. بنابراین، نتایج پژوهش حاضر را باید در چارچوب تمایز میان معنویت نهادینه‌شده و معنویت تجربه‌محور تحلیل کرد.

یافته‌های مرتبط با نقش معنویت در تاب‌آوری و رشد نیز قابل توجه است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که معنویت از طریق تقویت مقابله شجاعانه و حمایت اجتماعی، تاب‌آوری نوجوانان را افزایش می‌دهد (Parviniannasab et al., 2022). همچنین مرورهای نظام‌مند بیانگر آن است که مقابله مذهبی می‌تواند رشد پس از سانحه را تسهیل کند (Suffah & Kilis, 2024). این نتایج نشان می‌دهد که معنویت، در صورت ادغام با منابع اجتماعی و شناختی، می‌تواند به سازگاری بلندمدت کمک کند.

در حوزه خانواده و مراقبت نیز مداخلات مبتنی بر مقابله معنوی توانسته‌اند سطح سازگاری را افزایش دهند (Casaleiro et al., 2024). در میان مادران مسلمان دارای فرزند مبتلا به اوتیسم نیز استفاده از راهبردهای مقابله مذهبی با سازگاری هیجانی بهتر همراه بوده است (Dulai et al., 2025). افزون بر این، در زمینه اعتیاد، تعامل میان مقابله مذهبی و آمادگی برای تغییر نقش مهمی در فرایند درمان ایفا کرده است (Kumar et al., 2025). این مجموعه شواهد نشان می‌دهد که معنویت می‌تواند در حوزه‌های متنوع زندگی نقش حمایتی ایفا کند، مشروط بر آنکه به‌صورت سازگارانه به کار گرفته شود.

در نهایت، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت میان دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین بیشتر در ابعاد شناختی هوش معنوی و سبک‌های مقابله فعالانه نمود دارد. این نتیجه با مطالعاتی که بر تفاوت‌های فرهنگی و بافتی در تجربه معنویت تأکید دارند همخوان است (Sajadipour et al., 2024). همچنین پژوهش‌های جدید در زمینه مقابله مذهبی و رفتارهای اجتماعی نشان داده‌اند که نوع وابستگی دینی و سطح استدلال اخلاقی می‌تواند بر پیامدهای رفتاری تأثیر بگذارد (Nwafor et al., 2024). در مجموع، نتایج حاضر نشان می‌دهد که هوش معنوی، به‌ویژه در ابعاد معنابخش و بازاندیشانه، نقش مهمی در شکل‌دهی سبک‌های مقابله با استرس ایفا می‌کند و نوع گرایش معنوی می‌تواند جهت‌گیری این راهبردها را تحت تأثیر قرار دهد.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است که در تفسیر نتایج باید مدنظر قرار گیرد. نخست آنکه طرح پژوهش از نوع مقطعی و علی-مقایسه‌ای بود و امکان استنباط روابط علی قطعی را فراهم نمی‌کند. دوم، استفاده از ابزارهای خودگزارشی ممکن است با سوگیری پاسخ‌دهی، به‌ویژه در زمینه موضوعات دینی و معنوی، همراه باشد. سوم، نمونه پژوهش محدود به شهر قم بود و تعمیم نتایج به سایر بافت‌های فرهنگی و مذهبی باید با احتیاط انجام شود. همچنین طبقه‌بندی افراد در دو گروه دینداران سنتی و معنویت‌گرایان نوین بر اساس شاخص‌های رفتاری و نگرشی صورت گرفت که ممکن است تمامی پیچیدگی‌های هویت معنوی را پوشش ندهد.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با استفاده از طرح‌های طولی، نقش علی هوش معنوی در تغییر سبک‌های مقابله‌ای را بررسی کنند. همچنین به‌کارگیری روش‌های ترکیبی و کیفی می‌تواند به درک عمیق‌تر تجربه زیسته دینداری سنتی و معنویت نوین کمک کند. بررسی نقش متغیرهای میانجی مانند تاب‌آوری، حمایت اجتماعی و تنظیم هیجان نیز می‌تواند مدل تبیینی جامع‌تری ارائه دهد. افزون بر این، انجام پژوهش در سایر شهرها و مقایسه بافت‌های مذهبی متفاوت می‌تواند به تعمیم‌پذیری یافته‌ها بیفزاید.

نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی مداخلات آموزشی و مشاوره‌ای مورد استفاده قرار گیرد. تقویت مؤلفه‌های شناختی هوش معنوی، به‌ویژه مهارت‌های معناجویی و بازاندیشی وجودی، می‌تواند به ارتقای سبک‌های مقابله مسئله‌محور کمک کند. در مراکز مشاوره دانشگاهی و دینی، می‌توان برنامه‌هایی را طراحی کرد که تلفیقی از آموزه‌های دینی و مهارت‌های حل مسئله باشد. همچنین توجه به تفاوت‌های فردی در گرایش معنوی می‌تواند به ارائه خدمات روان‌شناختی متناسب‌تر با نیازهای مراجعان منجر شود.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

## Extended Abstract

### Introduction

Stress is widely recognized as one of the most pervasive psychological challenges in contemporary life, influencing emotional regulation, behavioral adjustment, and overall mental health. The ways individuals cope with stress have been shown to significantly determine their psychological outcomes, including resilience, well-being, and vulnerability to distress (Lee et al., 2024). In recent years, increasing scholarly attention has been directed toward spiritual and religious variables as potential resources in stress management. Constructs such as spiritual intelligence and religious coping have emerged as critical explanatory factors in understanding how individuals interpret and respond to stressful experiences.

Spiritual intelligence has been conceptualized as a set of cognitive and meta-cognitive capacities that enable individuals to construct meaning, transcend immediate circumstances, and integrate existential concerns into daily life. Empirical evidence suggests that spiritual intelligence contributes to adaptive coping and psychological adjustment. Structural modeling studies have demonstrated that spiritual intelligence mediates the relationship between stress and mental health through coping mechanisms (Arnout, 2020). Similarly, research findings indicate that dimensions of spiritual intelligence, particularly existential reflection and meaning-making, are associated with more constructive coping styles and higher well-being (Wisesa & Irenne, 2020; Zayed & Gaballah, 2018).

Religious coping, defined as the use of religious beliefs and practices to manage life stressors, has also been associated with various psychological outcomes. Positive forms of religious coping have been linked to prosocial moral reasoning and reduced maladaptive behaviors (Nwafor et al., 2024). In clinical contexts, spiritual coping has been found to enhance self-care behaviors among patients with chronic illnesses and to facilitate psychological adaptation (Mirzazadeh-Qashqaei, 2023). Studies among individuals facing terminal illnesses have highlighted the role of spiritual coping mechanisms in maintaining hope and emotional regulation (Lee et al., 2024).

However, the relationship between spirituality and mental health is complex and not uniformly positive. Longitudinal findings indicate that religious and spiritual struggles can predict heightened anxiety symptoms (Beeman et al., 2024). Moreover, the phenomenon of spiritual bypass may moderate the association between religious coping and psychological distress, suggesting that not all expressions of spirituality are adaptive

(Ahmad et al., 2023). These findings underscore the importance of distinguishing between different forms and qualities of spirituality when examining coping processes.

Within Islamic contexts, religious coping strategies such as patience, forgiveness, and reliance on God are central to stress management. Patience has been conceptualized as a religious coping mechanism that facilitates perseverance and adaptive engagement in challenging academic environments (Ramdani et al., 2024). Forgiveness, as an Islamic ethical principle, has also been described as a pathway to positive religious coping and emotional reconciliation (Rizwan Khan, 2024). Among Muslim mothers of children with autism, religious coping strategies were positively associated with emotional adaptation (Dulai et al., 2025). In addition research, the interplay between religious coping and readiness for change has demonstrated implications for recovery processes (Kumar et al., 2025).

Research on grief and trauma has further emphasized the adaptive potential of spiritual coping. Phenomenological analyses of grieving mothers have revealed diverse spiritual and religious coping patterns that shape meaning reconstruction (Sajadipour et al., 2024). Literature reviews have shown that religious coping can contribute to posttraumatic growth among women experiencing perinatal loss (Suffah & Kilis, 2024). Interventions designed to promote spiritual coping among caregivers have demonstrated improvements in psychological adaptation (Casaleiro et al., 2024). Additionally, engagement in spiritual disciplines has been associated with enhanced mental resilience and reduced anxiety and depressive symptoms (VanderWeerd, 2024).

Despite the growing body of research, few studies have directly compared individuals with traditional religious orientations and those who identify with modern, individualized spirituality within the same cultural context. Cultural setting plays a critical role in shaping both spiritual experience and coping style. Qom, as a prominent religious center in Iran, represents a unique sociocultural environment where institutionalized traditional religiosity coexists with emerging forms of individualized spirituality. Investigating differences in spiritual intelligence and coping styles within this context may provide valuable theoretical and practical insights. Therefore, the present study aimed to examine the effect of spiritual intelligence on stress coping styles and to compare traditional believers and modern spiritualists in Qom.

### **Methods and Materials**

This study employed a quantitative, causal-comparative (ex post facto) design. The statistical population consisted of adult residents of Qom aged 18 to 60 during the year of data collection. Participants were selected through purposive and convenience sampling. Initially, individuals were screened and classified into two groups based on their religious–spiritual orientation: traditional believers, characterized by consistent participation in institutional religious practices and adherence to established doctrinal frameworks, and modern spiritualists, characterized by individualized, experience-based spirituality independent of formal religious institutions. Equal numbers from each group were recruited to enable meaningful statistical comparison. Inclusion criteria included informed consent, minimum secondary education, and absence of severe psychiatric diagnosis within the previous six months.

Data were collected using three standardized instruments. Spiritual intelligence was measured using a validated 24-item scale assessing existential critical thinking, personal meaning production, transcendental awareness, and conscious state expansion. Coping styles were assessed using a multidimensional coping questionnaire that evaluates problem-focused and emotion-focused strategies across multiple subscales. A religious orientation measure was used to support group classification and statistical control. Data were entered into SPSS software. Descriptive statistics were computed, and assumptions of normality were examined. Multivariate analysis of variance (MANOVA) was conducted to compare groups on spiritual intelligence components and coping styles. Multiple regression analysis was used to examine the predictive role of spiritual intelligence dimensions on coping styles. Statistical significance was set at 0.05.

## Findings

Descriptive statistics indicated that modern spiritualists scored higher than traditional believers on overall spiritual intelligence, particularly on existential critical thinking and personal meaning production. Differences in transcendental awareness were smaller, and no meaningful difference emerged in conscious state expansion. Regarding coping styles, modern spiritualists reported significantly higher use of problem-focused coping strategies, whereas traditional believers reported greater reliance on emotion-focused strategies.

Multivariate analysis of variance revealed a statistically significant overall group difference in spiritual intelligence components. Follow-up univariate analyses showed significant differences in existential critical thinking and personal meaning production, with moderate effect sizes, and a smaller but significant difference in transcendental awareness. No significant group difference was found for conscious state expansion.

A second multivariate analysis indicated a significant group difference in coping styles. Modern spiritualists demonstrated significantly greater use of problem-focused coping, whereas traditional believers exhibited higher scores in emotion-focused coping. Effect sizes were moderate for both comparisons.

Multiple regression analysis demonstrated that spiritual intelligence significantly predicted problem-focused coping, accounting for approximately one-third of its variance. Existential critical thinking and personal meaning production emerged as significant predictors, whereas transcendental awareness was marginally significant and conscious state expansion was not significant. These findings suggest that cognitive–existential dimensions of spiritual intelligence play a central role in shaping adaptive coping patterns.

## Discussion and Conclusion

The present study revealed meaningful differences between traditional believers and modern spiritualists in both spiritual intelligence and stress coping styles. Modern spiritualists demonstrated higher levels of existential reflection and personal meaning-making, which were associated with greater reliance on problem-focused coping. Traditional believers, while not lacking spiritual intelligence, showed comparatively stronger tendencies toward emotion-focused coping strategies. These findings support the notion that different spiritual orientations may foster distinct cognitive frameworks for interpreting and managing stress.

The predictive role of existential critical thinking and personal meaning production underscores the importance of reflective and meaning-centered dimensions of spirituality. When individuals engage in active meaning reconstruction and critical existential reflection, they may be better equipped to approach stressors analytically and strategically. In contrast, coping patterns emphasizing emotional regulation may reflect theological or cultural norms prioritizing patience, surrender, or acceptance.

Importantly, the results do not imply superiority of one orientation over another. Emotion-focused coping may provide short-term emotional stability, while problem-focused coping may facilitate proactive stress management. The key contribution of this study lies in highlighting how spiritual intelligence—particularly its cognitive dimensions—differentially shapes coping styles within a shared cultural environment.

In conclusion, spiritual intelligence appears to be a significant psychological resource influencing coping strategies. Differences between traditional religiosity and modern spirituality in Qom are reflected not only in spiritual cognition but also in behavioral responses to stress. These findings contribute to a more nuanced understanding of spirituality and coping and suggest that interventions aiming to enhance existential reflection and meaning-making capacities may promote more adaptive stress management strategies.

## References

- Ahmad, S. S., McLaughlin, M., & Mamani, A. W. d. (2023). Spiritual Bypass as a Moderator of the Relationships Between Religious Coping and Psychological Distress in Muslims Living in the United States. *Psychology of Religion and Spirituality*, 15(1), 32-42. <https://doi.org/10.1037/rel0000469>
- Arnout, B. A. (2020). A structural equation model relating unemployment stress, spiritual intelligence, and mental health components: Mediators of coping mechanism. *Journal of Public Affairs*, 20(2), e2025. <https://doi.org/10.1002/pa.2025>

- Beeman, C., Davis, E. B., Voytenko, V. L., McConnell, J. M., Lemke, A. W., Douce, T., Walk, T., Mills, N. D., Phillips, K. P., Marseilles, R., Wolff, R. P., & Pargament, K. I. (2024). The temporal association between religious/spiritual struggles and anxiety symptoms: A longitudinal study of psychiatric outpatients. *Journal of Affective Disorders Reports*, 16, 100709. <https://doi.org/10.1016/j.jadr.2023.100709>
- Casaleiro, T., Martins, H., & Caldeira, S. (2024). Promoting Spiritual Coping of Family Caregivers of an Adult Relative with Severe Mental Illness: Development and Test of a Nursing Intervention. *Healthcare*, 12(13), 1247. <https://doi.org/10.3390/healthcare12131247>
- Dulai, S., Nurmohamed, R., & Hassan, Y. (2025). Religious coping strategies among Muslim mothers of children with autism spectrum disorder in Indonesia. *Journal of Islamic Health Psychology*, 14(2), 115-132. <https://www.knepublishing.com/index.php/Kne-Social/article/view/2349/5191>
- Kumar, A., Bhattacharjee, D., & Khanra, S. (2025). Assessing the Interplay of Religious Coping, Cravings, and Readiness for Change in Individuals with Opioid and Alcohol Dependence: A Prospective Study.
- Lee, A., Wong, Y., & Neo, X. S. (2024). Coping Mechanisms Among Patients with Terminal Illnesses. *KMAN Counseling & Psychology Nexus*, 2(1), 91-97. <https://doi.org/10.61838/kman.psychnexus.2.1.14>
- Mirzazadeh-Qashqaei, F. (2023). The Relationship Between Self-Care, Spiritual Well-Being and Coping Strategies in Patients With Type 2 Diabetes Mellitus. *Journal of Research in Nursing*, 28(4), 259-269. <https://doi.org/10.1177/17449871231172401>
- Nwafor, C. E., Ugwu, P. C., Okoye, C. F. A., Obi-Nwosu, H., & Ofonedu, M. E. (2024). Religious coping and delinquent behaviors: Moderated mediation roles of religion affiliation and prosocial moral reasoning. *Journal of Research on Adolescence*.
- Parviniannasab, A. M., Rakhshan, M., Momennasab, M., Soltanian, M., Rambod, M., & Akbarzadeh, M. (2022). The Mediating Role of Courageous Coping in the Relations Between Spirituality and Social Support With Resilience Among Adolescents With Hemophilia. *Clinical Child Psychology and Psychiatry*, 27(4), 1141-1154. <https://doi.org/10.1177/13591045211055081>
- Piadeh Amarghan, M., Belyad, M. R., Jian Bagheri, M., Hovasi Soomar, N., & Ranjbari Pour, T. (2023). Prediction of stress coping strategies based on primary maladaptive schemas and spiritual intelligence in mothers of mentally retarded students. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)*, 11(12), 141-152. <https://frooyesh.ir/article-1-4058-en.html>
- Ramdani, Z., Mardhiana, R., & Busro, B. (2024). Patience as a Religious Coping Mechanism in the Learning Process Among Muslim Students in Higher Education. *Penamas*, 37(1), 100-115. <https://doi.org/10.31330/6pbg0r93>
- Rizwan Khan, S. (2024). Forgiveness in Islam: A Pathway to Positive Religious Coping. *Journal of Art, Sociology, and Humanities*, 1-25. <https://thejash.org.pk/index.php/jash/article/view/36>
- Sajadipour, F. S., Dehghan Manshadi, M., Sedrpoushan, N., & Fallah, M. H. (2024). Phenomenological Examination of Spiritual and Religious Coping Styles of Mothers Grieving a Child with Cancer. *Psychology of Woman Journal*, 5(1), 52-58. <https://doi.org/10.61838/kman.pwj.5.1.6>
- Suffah, F. K., & Kilis, G. (2024). Religious Coping and Posttraumatic Growth in Women After Perinatal Loss in Indonesia: Literature Review. *Konselor*, 13(1), 1-15. <https://doi.org/10.24036/0202413157-0-86>
- VanderWeerd, A. L. (2024). *Spiritual disciplines and mental resiliency: The effectiveness of spiritual coping mechanisms to decrease anxiety and depression symptoms* <https://digitalcommons.liberty.edu/doctoral/5613>
- Wisasa, A., & Irenne, I. (2020). Analyzing How Spiritual Intelligence Affecting Stress Coping in Stress Management. *Jurnal Ilmu Sosial Politik Dan Humaniora*. <https://doi.org/10.36624/jisora.v3i2.73>
- Zayed, A. M., & Gaballah, A. S. (2018). The Mediation of Spiritual Intelligence and Forgiveness in Relationship Between Stress Coping Strategies and Well-Being in a Structural Model. *Journal of Educational & Psychological Sciences*, 19(01), 225-270. <https://doi.org/10.12785/jeps/190107>